



خوجالی فاجیعهسی



دوم اسفند (21 فوریه) روز جهانی زبان مادری

ماتسورا حنف یک زبان را در واقع به معنای یک عمل بیولوژیک برای حذف یک قوم و ملت می‌داند.

منبع: www.unesco.org/imld/
کشور ایران به عنوان یکی از کثیرالمللترین کشورهای جهان، دارای اقوام و ملل مختلف با زبان‌های گوناگون و لهجه‌های متنوع می‌باشد. زبان‌های غنی و قوی ترکی و تورکمنی، فارسی، عربی، بلوچی، ... و همچنین ده‌ها گویش شیرین زبان‌های منکور، السنه و لهجه‌هایی هستند که نه تنها دفاع از بقاء و دوام آنها، بلکه کمک به رشد و نمو ایشان از طریق بسیج غیر تبعیض آمیز تمام امکانات مادی و معنوی کشور، در همه زمینه‌های آموزشی و ارتباطی، از وظایف مهم دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

متأسفانه طی هشتاد سال گذشته بدلیل حاکمیت و یا نفوذ پندارهای معجول و لمخاطره باستانگرایی، پان آریانیستی و نژاد پرستانه، زبان‌ها و لهجه‌های ملل و اقوام ایران، دوران بسیار سختی را سپری کرده و می‌کند.

حتی به نظر می‌رسد در حال حاضر به رغم انقلاب پیروزمند ملل و اقوام ایران در سال 1357، سقوط نظام نژاد پرست آریاهری و تاسیس جمهوری اسلامی ایران، به رغم پاره‌ای اقدامات مثبت، تغییر بارزی در نوع روند و سیاست‌های تصمیم‌گیران فرهنگی کشور در این خصوص به چشم نمی‌خورد.

طبعاً اعطای امتیازات خیرمکننده به یک زبان رسمی و سلب حقوق قانونی از حداقل چند زبان غیر رسمی در ایران با جمعیتی که دست کم دو سوم از نفوس کل کشور را تشکیل می‌دهد نه تنها موجب بالندگی زبان رسمی نخواهد شد بلکه سبب ایجاد تشکیک در میزان برابری شهروندان خواهد شد و زمینه را برای تبدیل تفاوت‌های خدادادی به تخلف‌های نگران کننده فراهم خواهد کرد.

امیدواریم نظام فرهنگی کشور با طرد عناصر نژادپرست و پان-آریانیست از سطوح تصمیم‌گیری، شرایط متوازنی را در سطح ملی برای عموم ملل و اقوام متحد ایران پهنوار فراهم کند و شاهد پویایی و بالندگی تمامی زبانهای ملل ساکن در ایران باشیم.

نامه سرگشته‌ده وزیر ارشاد

وزیر محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با سلام: چنانچه استحضار دارید متأسفانه ریاست نهاد اداری کتاب که زیر نظر معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند، از صدور مجوز نشر برای کتاب «تاملی بر بنیادهای تاریخ ایران: 12 قرن سکوت: کتاب سوم: ساسانیان: پیشینه‌های نارسایی» اثر مورخ دگراندیش جناب آقای پورپیرای در تاریخ دوم دیماه سالجاری خودداری کرده است. گفته می‌شود اداره منکور با استناد به اینکه «بسته‌های شما غرور ملی مردم ما را جریحه دار می‌کند» مانع از انتشار این اثر تحقیقی گردیده است! ما خوانندگان پنج اثر پیشین آقای پورپیرای با تأکید بر امکان نقد نویسنده محترم در برخی از موضوعات، ضمن محکوم کردن هر گونه اقدامی که در راستای تحدید حق آزادی بیان و نیز تهدید به سکوت پژوهشگران و متفکرین دگراندیش صورت می‌گیرد خواهان رفع کامل همه محدودیت‌های غیر قانونی اعمال شده از جانب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمینه نشر آثار این مورخ هستیم. ما بعنوان جمعی از دانشگاهیان این ملت براین باوریم که برخلاف تحلیلات باستان گرایان پان‌آریانیست، درحال حاضر مبحث تاریخ ایران پیش از اسلام، بعنوان موقله‌ای عمیقاً تحریف شده جهت پالایش به شدت نیازمند نقد و گفتگوی مستمر در میان محققان می‌باشد. طبعاً! در این راستا اعمال هرگونه رفتاری که می‌تواند بعنوان مقوم سانسور و مضیق حق بدهی آزادی بیان محسوب شود محکوم است و امریست ناروا. جناب آقای وزیر! اقدام غیر قانونی اداری کتاب در جلوگیری از نشر جدیدترین اثر تاریخی جناب آقای پورپیرای، نخستین و آخرین رفتار تبعیض آمیز برخی از مسئولین این وزارت خانه نبوده و نیست. در واقع به نظر می‌رسد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سیاست‌های دوسویه و تبعیض آمیزی در زمینه صدور مجوز پیروی می‌کند. تا کنون ده‌ها عنوان کتاب و نشریه غیر آکادمیک در موضوعات مختلف با عبارتهای ضداخلاقی و به شدت اهانت آمیز علیه حیثیت اقوام و ملل ایران، زیر نظر این وزارتخانه و بدون هر گونه اقدام توبیخ آمیز بعدی از جانب نهادهای مسئول، منتشر شده است. از سوی دیگر آیا مگر همین وزارتخانه نیست که اقدام به صدور مجوز برای برنامه‌های وقیحانه افرادی چون آقای حمید ماهی صفت، در مراکز فرهنگی کشور می‌کند و به سی‌دی‌های سراسر اهانت آنان اجازه نشر می‌دهد؟! اساساً چگونه مسئولین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به خود حق می‌دهند تا سیاست‌هایی این چنین تبعیض آمیز و متغیر را از خود در عرصه فرهنگ ارایه دهند؟! این چه سیاستی است که به یک اثر وزین تحقیقی-تاریخی اجازه نشر نمی‌دهد و در مقابل به نشر ویا توزیع مجموعه‌ای از اهانتها اجازه می‌دهد؟! ...

با نگاهی به سیستم آموزشی کشورها این نکته را می‌توان دریافت که در اکثر این سیستم‌ها یک زبان بعنوان زبان رسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در برخی از این سیستم‌ها، امکاناتی توسط دولت فراهم می‌شود که تا در کنار زبان رسمی کشور، زبان‌های محلی و قومی نیز بتوانند بسط و گسترش یابند اما در دولت‌هایی که در سیستم آموزشی و فرهنگی آنها تفکرات نژاد پرستی حکمفرماست، فقط یک زبان بعنوان زبان رسمی مطرح شده و مجال بسط و گسترش برای سایر زبان‌های محلی داده نمی‌شود و تمامی امکانات برای زبان رسمی آن کشور هزینه می‌شود. تا پیش از استقلال بنگلادش از کشور پاکستان در دهه 50 میلادی، زبان رسمی که در مدارس و دانشگاه‌های آن ایالت آموزش داده می‌شد زبان پاکستانی (اردو) بود. در طی این دوران تا زمان کسب استقلال از پاکستان فعالیت زیادی برای بکارگیری و تدریس زبان بنگالی در کنار زبان اردو توسط فعالین دانشگاهی و فرهنگی انجام گرفت. به خاطر تفکرات خاص دولت پاکستان کوچکترین حرکتی در این زمینه با شدیدیتر اقدامات این دولت مواجه می‌شد. از جمله فعالین بسط و گسترش زبان بنگالی که توسط نیروهای امنیتی پاکستان ترور شدند می‌توان به ابوالریکت (ستاد دانشگاه داکا)، رفیع الدین احمد (دانشجو)، شوپری رحمان (کارمند عالی‌رتبه دادگاه عالی بنگلادش) اشاره کرد، که این حوادث در روزهای 21 و 22 فوریه سال 1952 اتفاق افتاد. بنگلادش اولین کشوری بود که در نوامبر سال 1999 پیشنهاد رسمی خود را مبنی بر نامگذاری روز 21 فوریه (2 اسفند) به نام روز جهانی زبان مادری به سازمان یونسکو ارائه کرد. این پیشنهاد در این پیشنهادت نشست عمومی سازمان یونسکو به تصویب رسید. هم‌زمان با این فعالیت‌ها، سازمان دیگری با عنوان طرفداران جهانی زبان مادری (Mother Language Lovers of the world) در کانادا تشکیل شد که اعضای آن را افرادی از ملیت‌های انگلیسی، هندی، آلمانی، بنگلادشی و ... تشکیل می‌داند. این سازمان نیز پیشنهاد خود را برای نامگذاری روز 21 فوریه به نام روز جهانی زبان مادری به سازمان یونسکو ارائه کرد. برای اولین بار مراسم روز جهانی زبان مادری در فوریه سال 2000 در پاریس برگزار شد که در آن مقامات عالی‌رتبه‌ی فرانسه، نمایندگان کشورهای مختلف جهان و زبان شناسان برجسته‌ای چون نوامچامسکی و ... شرکت داشتند. در این مراسم کوپچیرو ماتسورا مدیر کل سازمان یونسکو در مورد علل نامگذاری روز جهانی زبان مادری به سخنرانی پرداخت. در ادامه، پیام کوفی-عنان دبیر کل سازمان ملل در مورد لزوم ارج گذاری به روز جهانی زبان مادری قرائت شد. در مارس سال 2001 مراسم روز جهانی زبان مادری در مرکز مطالعات بین‌المللی زبان مادری (International Mother Language Institute) در داکا پایتخت بنگلادش برگزار شد. با توجه به اهمیت موضوع کوفی‌عنان دبیر کل سازمان ملل در این مراسم حضور یافت. وی علن حضور خویش را اعلام تشکر و قدرانی سازمان ملل و ملت و دولت بنگلادش به خاطر تلاشی که در جهت اعتلای زبان مادری و همچنین نامگذاری 21 فوریه به نام روز جهانی زبان مادری انجام داده بودند دانست.

متن سخنرانی کوفی عنان در مرکز مطالعات بین‌المللی زبان مادری: خانمها و آقایان! حضور در این محل که به واقع زیربنای تأمل و تفکر در مورد زبان مادری می‌باشد برایم افتخار بزرگی است. در دوران کنونی فقط چند زبان به صورت جهانی در آمده‌اند در حالی که بسیار لازم است که در مورد زبانهای محلی نیز توجه لازم را مبذول نمایم. به نوبه‌ی خود امیدوارم که اقدامات یونسکو منجر به افزایش گامی در بین اقشار مردم شده و به حفظ و حراست از زبان مادری منجر شود. می‌خواهم مراتب قدرانی و تشکر ویژه‌ی خود و سازمان ملل را از دولت و ملت بنگلادش به خاطر اهتمام به امر مهم حفظ و حراست زبان مادری اعلام نمایم.

سازمان علمی-فرهنگی آموزشی-ملل متحد (یونسکو) به خاطر حرمت شهید "بیوش"، روز 21 فوریه یعنی روز ترور وی را در سراسر جهان روز جهانی زبان مادری نامید و ...
در سال 2003 نیز برای چهارمین بار روز جهانی زبان مادری طی مراسم باشکوهی در مقر یونسکو گرمی داشته شد و کوپچیرو ماتسورا مدیر کل یونسکو طی سخنرانی به این موارد تأکید کرد: امسال برای چهارمین بار است که روز جهانی زبان مادری را گرمی می‌داریم. هدف از این مراسم، تشویق و ترغیب مردم برای گسترش زبان مادری است و ... مشابه هرگونه مراسمها در نقاط مختلف جهان برپا می‌شود. در مدارس و دانشگاههای مکزیکی شعرها و ترانه‌های محلی خوانده می‌شود، نمایشنامه‌هایی به زبان مادری اجرا می‌شود. در فیلیپین مراسمی تحت عنوان "In the galaxy of language every world" برگزار می‌شود. در استرالیا "is a star" برپا می‌شود. در کوزوو نیز مراسمی برای روز جهانی زبان مادری برپا می‌شود.

سر مقاله
توقع قومی، فدرالیسم و وحدت ملی
ایران به عنوان سرزمینی که از اقوام و ملل متعدد با فرهنگ‌های متفاوت تشکیل یافته در صد سال اخیر با بحران‌های متعدد قومی روبرو گشته و تلاش برای ایجاد جامعه‌ای یکدست و منسجم با ناکامی مواجه گشته است. در واقع جلب حمایت و نظر تمامی اقوام موجود و تحریک آنها در مشارکت در کنار سایر اقوام در صد سال اخیر سابقه نداشته است. اهمیت دادن به یک قوم هر چند باعث مشارکت جدی آن قوم می‌شود، اما باعث دورتر شدن اقوام و ملل دیگر می‌شود. در جوامع جهان سوم که سابقه طولانی و تاریخی زیادی از استقرار دیکتاتوری و استبداد دارند، حقوق فردی افراد و با گروه‌های فکری، سیاسی و اجتماعی به بهانه‌های مختلف پایمال می‌گردد. یکی از شعارها و بهانه‌های اصلی برای انجام چنین کاری، همانا نفوذ و تعرض به منافع ملی است. از آنجا که اختلاف اساسی میان نخبگان و گروه‌های سیاسی اجتماعی هر جامعه‌ای در تعریف «منافع ملی» است، از اینرو در جهان سوم که حقوق و خواسته‌های فردی و ملی جایگاه واقعی خود را نیافته‌اند، جایگاه «منافع ملی» تا حد «منافع فردی» و یا «گروهی» تنزل می‌یابد. در چنین جوامعی هر حرکت و سخنی که بر خلاف نظر فرد و یا گروه حاکم باشد، به عنوان مخالف و تهدید کننده «امنیت ملی» و «منافع ملی» قلمداد می‌شود. از اینرو این سؤال مطرح می‌شود که جایگاه دموکراسی در میان ارزش‌هایی در سطح ملی چه می‌تواند باشد؟

در عصر نوین که به نوعی عصر احقاق حقوق و احیای اقلیت‌ها خوانده می‌شود، به نظر می‌آید نسخه‌ها و روش‌های سنتی دولت‌مردان کشور برای اداره کشور دیگر پاسخگو نمی‌باشد و برای پیوند زدن مطالبات قومی و منطقه‌ای به منافع ملی کشور، بایستی حلقه‌های جدیدی از اندیشه‌ها و تمهیدات مدیریتی اندیشه شود.
"کارل پوپر" در کتاب ناسیونالیسم و انواع آن می‌گوید: «روند ملت سازی مستلزم تعریف مجدد هویت‌های خرده ملی و شکل‌گیری هویت ملی بزرگتر است. برای دسترسی به این مهم لزومی به نابود کردن هویت‌های کوچکتر نیست. در حقیقت می‌توان گفت، آنچه ضروری است، ایجاد روایتی در هم شده بین این هویت‌هاست، به طوری که هویت بزرگتر انعکاس دهنده و ابستگمی متقابل آنها باشد.»

با عنایت به مطالب فوق و با توجه به شرایط کنونی ایران، خاورمیانه و جهان، بنظر می‌رسد "فدرالیسم قومی" مناسبترین سیستم برای اداره کشور می‌باشد.
«فدرالیسم عبارت از مکانیزمی است جهت ایجاد "تعادل" میان "وحدت" و "کثرت". به عبارت دیگر، در این سیستم بین حس "خودمختاری" و حس "استقلال طلبی" ایالات از یکسو، با "پذیرش اقتدار و سلطه مرکزی" و "تجمع" در زیر پوشش قدرت سیاسی، ادب، سنن، زبان و فرهنگ بومی ایالات مورد حمایت قرار می‌گیرد و تأسیس نهادهای قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی محلی به رسمیت شناخته می‌شود و از سوی دیگر، اعمال سیاست و قدرت دولت مرکزی بر مبنای قانون اساسی فدرال بر تمامی نقاط و ایالات کشور تثبیت می‌شود. در واقع، فدرالیسم کثرت منابع اقتدار سیاسی را در درون وحدت قدرت سیاسی تضمین می‌کند.»

از زمان پیدایش این نظام سیاسی تا کنون، فدرالیسم بیشتر در کشورهای کثیر الملت بوجود آمده است. در کشورهایی که دارای ملت‌های گوناگون بوده است، مثل اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده، سوئیس و ...
از ویژگی‌های این نظام، اختلافات فرهنگی، اقتصادی و اداری است. یعنی هر ایالت و ولایت، در فرهنگ و روابط اجتماعی مخصوص به خود را دارد، حتی تا حدی از نظام اقتصادی تبعیت می‌کند که حاکمان محلی طراحی کرده اند و از زیر مجموعه‌های اداری تشکیل می‌شود که اداره محلی آنها را سامان می‌دهند.

در این نظام ضریب احساس مسئولیت بالا می‌یابد و از آن جا که جمعیت ساکن در هر ایالت، قلمرو ایالتی خود را به صورت تمام و کمال از آن خود می‌دانند و برای رونق بخشیدن به مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند، لذا هر ایالتی حکم یک خانه را بخود می‌گیرد. در این نظام که هر ایالت در حکم یک دولت است، قانون غیر کلان مخصوص به خود را دارد. بنابراین، فقط ارتش، پول، امور مالی و روابط خارجی در این سیستم مشترک می‌باشد. در نظام سیاسی فدرال اقتدار به شکل رسمی در قانون اساسی بین حکومت‌های ملی و برخی از حکومت‌های محلی تقسیم شده که هر یک در حوزه‌ی اقتدار قانونی خود بر دیگری برتری دارد. معمولاً قانون اساسی این نظام‌ها، موارد صلاحیت‌ها و اختیارات هر یک از حکومت‌های ملی و محلی را بصورت دقیق و صریح بیان می‌کند.
ادامه در صفحه‌ی دوم ...

